

رفیق حسن محمدی

تاریخ و محل تولد رفیق حسن محمدی هنوز برای ما دانسته نیست. رفیقی که از سال 60 با او آشنا شده بود می نویسد: حسن فرزند یک خانواده زحمتکش بود و از دوران کودکی کار کردن را شروع کرده، با زحمت و زندگی کارگران و زحمتکشان از نزدیک آشنائی داشت. او که در سال 60 در محله کارگری خزانه فلاح (تهران) زندگی می کرد، مدتی کارگر تعمیرگاه شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه در نارمک بود. نزد رفقای همکارش به حاجی شهرت داشت و از احترام و اعتماد ویژه آنان برخوردار بود. صفا و صمیمیت و کردار انسانی او زبانزد فامیل و دوستانش نیز بود.

رفیق حسن محمدی که با نام مستعار " علی واحدی" در تشکیلات راه کارگر فعالیت می کرد، جوهر انقلابی و قاطعیت مبارزاتی خود را به ویژه در روزهای سیاه و سخت به نمایش گذاشت. در سال های 60 و 62 که عمق بی سابقه سرکوب رژیم هار شده اسلامی، فشار امنیتی طاقت فرسائی را بر سازمان های سیاسی تحمیل می کرد و جابجائی های انسانی و تدارکاتی برای بقای رزمنده سازمان در مناطق با چنان محدودیت هایی مواجه بود که گاه رفقای شناخته شده و تحت تعقیب مجبور می شدند در خانه هایی که احتمال می رفت " سوخته" باشند زندگی کنند، دستگیری کسی که از محل زندگی رفقای فعال در محیط و یا محل اختفای رفقای فراری و از قرارگاه های تدارکاتی خبر داشت، می توانست منشاء نگرانی هائی برای ضربات جبران ناپذیر باشد. رفیق حسن (علی واحدی) در سال 61 با انرژی و ایمان خلل ناپذیری در انجام برنامه های مربوط به جابجائی های رفقا و امکانات تدارکاتی، وظایفی به عهده گرفته و با نهایت مسئولیت و جدیت به انجام رسانده بود. رفیق حسن هنگام دستگیری، بسیاری از کارگران پیشرو و فعال در کارخانجات را می شناخت، با مسئولین هسته های کارگری آشنا بود، محل سکونت بسیاری از کارگران مرتبط با سازمان را می دانست و از محل زندگی تعدادی از اعضای سازمان و پایگاه های تدارکاتی اطلاع داشت. اما با دستگیری وی هیچ یک از این اطلاعات به دست دشمن نیفتاد و هیچ فشار و شکنجه ای نتوانست زبان او را باز کند.

در دوره ای که خود او به خاطر لو رفتن خانه اش و تحت تعقیب بودن، برای مدتی نزد رفیق دیگری زندگی می کرده، یکی از نزدیکان متمکن وی به دیدارش رفته و

پیشنهاد می کند او را از هر جهت تحت تأمین و حمایت خود قرار دهد، مشروط بر آن که حسن دست از فعالیت سیاسی بردارد. رفیق حسن پیشنهاد ریش سفید " خیرخواه" را که برای او احترامی هم قائل بوده، مؤدبانه رد می کند و پس از رفتن او، به رفیقش می گوید: « زنده ماندن به چه قیمتی؟ هیچ مبارز شرافتمندی نباید در مقابل سختی ها شانه خالی کند».

رفیق حسن در اواخر سال 1362 به همراه رفیق شهید دیگری (نام مستعار) بر سر قرار دستگیر می شود. آنان سعی می کنند از چنگ پاسداران بگریزند، اما بالاخره پس از شلیک هوائی و محاصره، دستگیر می شوند و هر دو در 17 مهر ماه 1364 اعدام می گردند. سن رفیق حسن محمدی به هنگام شهادت زیر 30 سال بوده است. یاد این کارگر کمونیست و وفادار به آرمان و سازمان کارگران انقلابی، همواره زنده خواهد ماند.